

«دانا بار تلست» گرافیسفت و طراح پوستر است، در دانشگاه‌های آمریکا هم تدریس می‌کند. اما آنچه باعث شد اولین سخنران افتتاحیه سومین جشنواره بین المللی هنر مقاومت شود فعالیت‌های ضدصهیونیستی اوست. از آن آدم‌هایی ست که تا حقیقت را به چشم نبیند باور نمی‌کند. به همین خاطر وقتی موضوع فلسطین دهنش را مشغول کرده، راه افتاده و رفته است آنجا و بعد، وقتی از نزدیک چنایت‌ها در صهیونیست‌ها را دیده، همه آنچه رسانه‌های آمریکایی در دهنش ساخته بودند فروریزخته است. وقتی هم که برگشته است به کشورش، نتوانسته در برابر دروغ‌های رسانه‌های آمریکایی سکوت کند و بعد هم طرح‌ها و پوسترهایش رنگ خون گرفته است و لعاب مقاومت و هم تدریس دانشگاهی‌اش شده‌است موضوع مظلومیت فلسطینی‌ها و ظلم صهیونیست‌ها. این قدر با تعصب و مهربانی درباره فلسطین حرف می‌زد که حسن کردم دانا بار تلست آمریکایی حالا دیگر شده‌است مادر مقاومت بچه‌های فلسطین.

تنظیم این گفت وگو با دقت و حوصله خانم هدیه رضایی ممکن شد که کار ترجمه را به عهده داشت.

در این جلسات فلسطینی‌ها برنده می‌شدند یا صهیونیست‌ها؟ هر کسی که در آمریکا طرفدار صهیونیست و اسرائیل است چشمانش کور است. این‌ها کور هستند و حتی ناشنوا. دوست ندارند نه ببینند و نه بشنوند به همین خاطر این‌که بنوانی پرده‌ای که جلوی چشم‌ها و گوش‌هایشان کشیده‌اند سوراخ کنی تا حقیقت را ببینند. کمی سخت است، اما با این وجود همین جلسه های بحث و گفت و گو توانسته است روی دانشجویان و حتی اسانید تاثیر بگذارد تا با حقیقت آشنا شوند و بخوانند درکش کنند. خیلی از ارگان‌های یهودی ولایه‌های صهیونیستی در آمریکا سعی داشتند تا من را متوقف کنند. پول‌های زیادی خرج می‌کردند، به روسای دانشگاه‌ها می‌دادند. حتی رئیس یک دانشگاه کاتولیک را که ظاهرا هیچ ربطی به یهودی‌ها نداشت خریده بودند تا ما نتوانیم هیچ فعالیتی در آنجا داشته باشیم. من از هرگونه فعالیت در این حوزه منع شده بودم. هیچ کسی هم حق نداشت به من جایی اجاره دهد تا بتوانم جلسات بحث و مناظره برگزار کنم.

این از طرف دولت آمریکا مستقیما صورت گرفت ؟

واکنش‌ها و پرايش کار می‌کردم هیچ جا را اجاره نمی‌داد.

در دانشگاه تدریس می‌کردید؟

بله. تدریس می‌کردم اما حق نداشتیم بحث و گفت و گو راه بیندازم یا

هنرمند آمریکایی در گفت و گو با کیهان

اسرائیل با دست خودش نابود می‌شود

علیرضا آل بمین



دستگیر و مجازات شوند.

یعنی فقط آن چند نفر محاکمه شوند، دیگر با دولت اسرائیل کاری نداشتند؟

بله فقط آنها که مستقیما باعث مرگ راشل شدند. یک افراطی‌های دیگری هم هستند که می‌گفتند اصلا چرا این دختر آنجا بوده؟ او چه حقی داشته که آنجا باشد؟ او چه مربوط بود که می‌خواست از تروریست‌ها دفاع کند؟ کسی به دولت اسرائیل اعتراض نمی‌کرد ؟

قطعا علیه دولت اسرائیل هم حرف می‌زدند. اما در اخبار و رسانه‌ها

ما به سراغ شبکه های مختلف رفتیم اما جواب همه آنها این بود :

«هیچ راهی نیست » هیچ کدام از شبکه های تلویزیونی آمریکا نمی توانند منتقد اسرائیل باشند .

کسی را به عنوان سخنران دعوت کنم تا در دانشگاه صحبت کند. **خب منظورتان از آدم‌های کور و کر چه کسانی هستند؟**

همه کسانی‌که این تبلیغات سوء علیه فلسطین ملکه دهنشان شده و

دیگر تنها چیزی که می‌پذیرند و باور دارند اخباری ست که در رسانه‌های آمریکایی می‌بینند. این‌ها افراد کوری هستند که نمی‌شود به ذهنشان باور کرد. در این بین یک سری گروهک‌های مسیحی افراطی هم هستند که راورد دارند مسیح می‌آید و زمین را از حیث مسلمان‌ها و یهودی‌ها پاک می‌کند. این‌ها طرفداران صهیونیست‌ها هستند.

اگر فکر می‌کنند که مسیح بازمی‌گردد و یهودی‌ها را هم از بین می‌برد، چرا طرفدار صهیونیست‌ها هستند؟

نمی‌دانم. برای من هم یک مسئله است. اگر فکر می‌کنند مسیح بر می‌گردد و نجات می‌دهد و فقط مسیحیت می‌ماند، چرا از صهیونیست‌ها دفاع می‌کنند. بعد از ۱۱ سپتامبر چه اتفاقی در افکار عمومی آمریکا نسبت به خاورمیانه و مسلمانان افتاد؟ بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر مردم از خودشان پرسیدند که چرا مردم دنیا از ما بدشان می‌آید؟ چرا از ما متنفرند؟ دولت آمریکا می‌گوید این اتفاق توسط بن‌لادن یا القاعده مدیریت شده که البته به نظر من جریان ۱۱ سپتامبر کار اسرائیلی‌ها بوده ولی به هر حال مردم می‌پرسند چرا از ما بدشان می‌آید و وقتی قتلان ضد صهیونیستی مثل من می‌بینند صهیونیست‌ها می‌کنند که حقیقت چیست و چه اتفاقی می‌افتد. آن چیزی که بعد از این ماجرا رخ داد این بود که کلیساها هم این سؤال دغدغهٔ دهنشان شد و در نتیجه سفیرانی را می‌فرستاد به این کشورها تا برونند بررسی کنند که چه اتفاقاتی افتاده و برگردد. حالا این‌ها برگشته‌اند به آمریکا و فعالیت می‌کنند.

این اتفاق فقط درباره فلسطین می‌افتاد یا در کشورهای دیگر هم بودند ؟

فقط فلسطین. البته خیلی‌ها ضد جنگ هستند در جنگ عراق هم کسانی به آنجا رفتند. یک کشیش را می‌شناسم در دانشگاه کاتولیک آمریکا که به عراق رفت و بعد از اینکه از عراق برگشت راجع به اقدامات وحشتناک آمریکا در عراق صحبت کرد. اما ۸۰ درصد درباره فلسطین اتفاق می‌افتاد. الان لایه صهیونیست یک سازمانی را ترتیب داده به عنوان نظارت بر دانشگاهها که این‌ها به دانشگاه‌ها نظارت می‌کنند که ببینند چه فعالیت‌هایی له یا علیه صهیونیست‌ها اتفاق می‌افتد.آن‌ها مرتب نظر افکار عمومی را نسبت به خودشان بررسی می‌کنند. البته در عین حال یک سری گروه‌های یهودی محلی هم در آمریکا ضد صهیونیست و ضد وحشیگری صهیونیست‌ها علیه فلسطینی‌ها فعالیت می‌کنند.

بعد از اینکه دانشگاه از فعالیت شما معانعت کرد چه کردید؟

این اتفاقات ۱۰ سال پیش برای من افتاد و من بعد از آن رفته به نیویورکلان و در آنجا با یک سری از دانشگاه‌ها گفت‌وگو کردم تا بودجه نامین کنند که به فعالیت‌هایم ادامه دهم. البته پس از آن کم‌کم چند "NGO" دانشجویی ضد صهیونیستی به‌وجود آمد.

دولت آمریکا مانع فعالیت‌های شما نشده‌است ؟

در مورد من این معانعت اتفاق نیفتاده‌است اما در آمریکا کسانی هستند که از طرف دولت آمریکا جلوی فعالیت ضد صهیونیستی آن‌ها گرفته می‌شود. بیشتر کسانی که تلاش می‌کنند تا ما را متوقف کنند لایه‌های صهیونیستی هستند که قدرت و پول زیادی دارند و خیلی راحت میلیون‌ها دلار برای ستادهای انتخاباتی، احزاب، کنگره‌ها و کابینه‌ها خرج می‌کنند و نتیجه هم می‌گیرند. مثلا راجع به اواما وقتی می‌خواست رئیس جمهور شود، یکی از شعرهای انتخاباتی‌اش این بود که آزادی برای فلسطینی‌ها. شاید زمانی که ستانور بود واقعا چیزی که می‌خواست آزادی برای فلسطینی‌ها بود اما چه فعالیت افتاده که بعد از اینکه رئیس جمهور شد شعرار را فراموش کرد. لایه صهیونیستی چه تأثیری روی او گذاشت که بعد ۱۸۰ درجه تغییر کرد و حالا مردم می‌گوید "اسرائیلی‌های بیچاره و اسرائیلی‌های بی‌نوا". مسئله مهم این است که واقعا صهیونیست‌ها چطور پول‌هایشان را خرج می‌کنند و سیاستمداران آمریکا را می‌خرند لای می‌کنند و چیزی که هست اینکه دولت آمریکا دست صهیونیست‌هاست. جورج بوش و پسرش هم قبل از اینکه رئیس جمهور شوند شعار انتخاباتی‌شان این بود که آزادی برای فلسطینی‌ها می‌خواهند ولی بعد از اینکه رئیس جمهور شدند حرف‌هایشان کاملا عوض شد.

جمهوری خواه‌ها و دموکرات‌ها در این قضیه فرقی نمی‌کنند؟

نه. هیچ فرقی نمی‌کنند. البته جمهوری‌خواه‌ها بدترند. با وجود ایراداتی که اواما داشت خیلی از آمریکایی‌ها به او رأی دادند. اما کاندیدای رقیب او خیلی بدتر بود، یعنی انتخاب اواما بین بد و بدتر صورت گرفت.

موضع دولت آمریکا را در مواجهه با اتفاقاتی که طی چند سال اخیر در خاورمیانه رخ داده به عنوان بهار عربی یا بیداری اسلامی چطور می‌بینید؟

الان دقیقا نمی‌دانم. موضعشان چیست. البته آن اتفاقاتی که در سوریه

می‌افتد باعث می‌شود ما بفهمیم آن منبعی که دولت ایالت متحده را تغذیه می‌کند و به او می‌گوید چکار کند اسرائیل است. اما دست‌های دیگری هم در کار است. مثلا الان اسرائیل تنها چیزی که می‌خواهد جنگ با ایران است. اما دولت آمریکا قبول نمی‌کند. چرا؟ نمی‌دانم. اما می‌دانم هزاران هزار نفر از مردم ایالات متحده می‌گویند ما جنگ با ایران را نمی‌خواهیم. حالا اینکه بچه کسانی و چطورری دارند این بازی‌ها را اداره می‌کنند، نمی‌دانم. درکش بره من سخت است.

شما در جریان کشته شدن راشل کوری توسط صهیونیست‌ها بودید؟

آه ... راشل کوری، راشل کوری، راشل کوری، بله. خیلی برای من ناراحت کننده بود. چون هم‌پن دخترم بود. البته خیلی از فلسطینی‌ها مثل همین دختر دارند کشته می‌شوند و مرگ او چیزی غیرت‌پذیر از مرگ فلسطینی‌ها نیست. اما قسمت ناراحت کننده این است که دولت آمریکا کاری در این باره نکرد.

واکنش مردم آمریکا در مورد کشته شدن راشل کوری چه بود؟
واکنش‌ها و واکنش‌ها دو دسته بود. دسته اول یک سری گروهک‌ها، احزاب و سازمان‌های مسیحی و حتی یهودی که ضد صهیونیست کار می‌کنند، این‌ها خواستار این بودند که آن اسرائیلی‌هایی که با بلدوزر او را کشتند،

هنرمند آمریکایی در گفت و گو با کیهان

اسرائیل با دست خودش نابود می‌شود

علیرضا آل بمین

❖ فکر کنم اسرائیل

خودش خودش را نابود کند.

یک چنین تفر و

شیطان صفتی‌هایی

نمی‌تواند خودش را

نگه دارد و همیشه

ماندگار نخواهد

بود.

موضوع دروغین خودکشی شهید تندگویان از زبان یک دندانپزشک

دکتر محمدمهدی اعتمادی دوست و دندان‌پزشک شهید محمدجواد تندگویان وزیر نفت کابینه شهید رجایی است. وی از روزی می‌گوید که تصور می‌شد که شهید را باید از روی دندان‌هایش شناسایی کنند؛ «چون من از لحاظ فیزیکی ایشان را خوب می‌شناختم و کارهای دندانان پزشکی‌اش را هم انجام داده بودم می‌توانستم شناسایی‌اش کنم، و این زمانی بود که عراق بعد از جنگ به سمت ایران می‌آمد تا ایران را علیه آمریکا با خود متحد کند چون در آن موقع طارق عزیز مرتب به ایران رفت و آمد می‌کرد و آمریکا هم یک چراغ سبز به عراق نشان داده بود که حالا می‌روند و کویت را می‌گیرند و در این زمان طارق عزیز به ایران آمد که ما با شما متحد شویم و به جنگ آمریکا برویم. در همان زمان بود که عراقی‌ها می‌گفتند در سال ۱۳۶۰ شهید تندگویان در زندان خودکشی کرده است.

قاعدتا پس از ۱۰ سال، تمام یا بخش عظیم جسد از بین می‌رود و به این ترتیب من را معرفی کردند چون که می‌گفتند می‌توانم از روی دندانان، این شهید تندگویان را تشخیص بدهم. در ابتدا به ما قبرستان (آل رشید) در عراق را معرفی کردند و جایی را که مدنظرشان بود باز کردند که ما



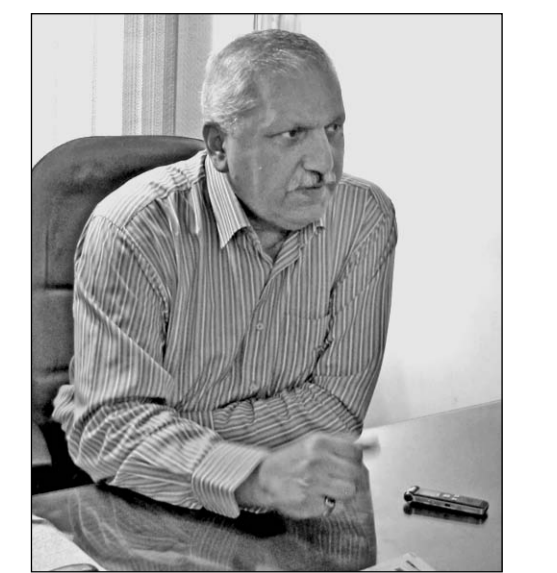
انقلاب اسلامی ایران، به عنوان بزرگ‌ترین پدیده سیاسی اجتماعی تاریخ معاصر جهان که توانست نظامی را به‌وجود آورد که برجم‌ترین نه‌اجم دشمنان و ائتلاف همه قدرتهای شیطنی علیه خود را طی ۳۵ سال اخیر تحمل کند، حیات خود را مرهون یکی از راهبردی‌ترین تصمیمات قائد عظیم‌الشان خود حضرت امام خمینی(ره) در صدور فرمان تأسیس بسیج مستضعفین در پنج آذر ۱۳۵۸ می‌داند. اهمیت این تصمیم الهی، که از عمق ایمان و باور حضرت امام(ره) به مردم مؤمن و بی‌ظنیر ایران اسلامی نشأت می‌گرفت و یکسال قبل از آغاز جنگ تحمیلی فرمان تشکیل بسیج را صادر فرمود، زمانی روشن‌تر می‌شود که فراموش تکنیم انقلابیهای شناخته شده جهان و تاریخ، با فرو نشستن شور و احساسات انقلابیون و مدنی پس از استقرار و تثبیت نظام برآمده از آن انقلاب و خلوت شدن تدریجی صحنه، در مقابل تلاش‌های خفته و ناپذیادی دشمنان، یا از بین رفتن ره و یا با حفظ شکل و نام انقلاب، به مرور زمان فاصله ۱۸۰ درجه‌ای از اهداف و آرمان‌های اولیه پیدا کرده‌اند. انقلابی‌هایی که بسا مردم به‌وجود آمدند و توانستند با مکانیزم‌هایی مردم را در ساختار قدرت اینچنان دخالت دهند که نظام و حکومت را از خود بداندند و در قبال آن احساس مسئولیت و وظیفه‌کنند موفق بوده‌اند.

اعتراف استادی دشمن، جمهوری اسلامی ایران و رهبر فقید و فرزانه آن توانست به بهترین شکل ممکن این پیوند را به‌وجود آورد که تشکیل بسیج مستضعفین از مهم‌ترین این تأثیر است. اعتقاد و اعتماد حضرت امام(ره) به مردم و رجوع به آنان در گام‌به‌گام شکل‌گیری اجزای حکومت و قدرت به گونه‌ای انجام شد که در هیچ انقلاب و کشوری نمونه نداشته و ندارد. علت اصلی و سرالاسرار قدرت و توانمندی جمهوری اسلامی ایران در به‌هم تنیدگی‌اش با خواست و اراده مردم دستاوردهای انقلاب می‌بیند و حتی در حوادث

امام راحل و عظیم‌الشان به‌خوبی می‌دانستند که عظیم‌ترین و ارجمندترین سرمایه، نیروی انسانی است که اقتدار ملی و پیشرفت جهانی را به‌وجود می‌آورد، نوجوانان و جوانان مورد توجه جدی حضرت امام(ره) قرار داشتند؛ چرا که آنها می‌توانند اهرمی نیرومند و محرکی قوی برای حرکت تغییر فرهنگی و اجتماعی تمدن اسلامی باشند و پدیدآورنده ابتکارات و اختراعات. جوانان قادرند تکامل اجتماعی، امنیت و آسایش، رفاه و نیکبختی و رشد و پیشرفت تضمینی را برای جامعه خویش بی‌بریزی کنند. به همین دلیل نیز هست که دشمنان و سلطه‌گران بخش اعظم سرمایه‌گذارها و برنامهریزی‌های خود را مصرف تغییر نگرش و رفتار جوانان کشورها می‌کنند. پیداست که هدف آنها، مهار فکر و ذهن جوانان و هدایت آنها به‌جهت‌های مورد نظر خود است تا قدرت تفکر و تعقل و بپایایی این قشر تعیین‌کننده به حدی تضعیف شود که خطری برای قدرت پرستان محسوب نشوند و هرگاه معدودی هم سالم باقی بمانند، قابل کنترل و سرکوب باشند.

انقلاب اسلامی ایران، که دست‌غلادگران را از کشورمان قطع کرد و منافع نامشروع آنان را مورد تهدید قرار داد، و اهبت پوشالی آنان را فرو افکند، برای آغاز سازندگی کشور ویرانه‌ای که میراث نظام سراپا وابسته شاهنشاهی پهلوی بود، نیاز به عزم و اراده ملی و تشکیلاتی مناسب برای نقدسازی ظرفیت بی‌پایان مردمی داشت، تشکیلاتی که علاوه بر کار ویژه‌های داخلی، به عنوان پشتوانه قابل اتکای نظام اسلامی در مجامع و صحنه‌های جهانی هم قابل محاسبه و ملاحظه باشد. یکی از خطراتی که انقلاب بپوشای اسلامی را تهدید می‌کرد، حمله نظامی بود. امام در فرمان تشکیل بسیج فرمودند: «باید همه قوایمان را مجتمع کنیم برای نجات دادن یک کشور. باید اگر مسائلی برای ما پیش بیاید، هرچه هم سخت باشد، تبدیل کنیم... قوای خودتان را مدیجرت کنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و بدوستان‌تان هم تعلیم دهید... مملکت اسلامی هم‌هاش باید نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد... همه جا باید این‌طور بشود که یک مملکتی بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست

صفحه ۸
یک شنبه ۱۳۹۲آذر ۱۳۹۲
صفر ۱۴۳۵ - شماره ۲۰۶۵۹



برگ‌های سبز درخت هم در آن قبر دیده می‌شد. جسد برای بررسی به بیمارستان موجود در پایگاه برده شد. انتظار دین محمدجواد را در چنین وضعیتی نداشتیم که فهمیدیم چند تا از استخوان‌هایش هم شکسته است؛ و زمانی که دکتر توفیقی جسد مومیایی شده را دید گفت: این مومیایی ناقص انجام شده است و فقط برای اینکه زمان دقیق مرگ معلوم شود، ما را کاز هم رفتیم. این گونه بسود که ما را برگرد که این کار موجب یک وقفه ۳-۲ روزه شد و ما در این مدت هم از فرصت استفاده کردیم و به زیارت هم رفتیم. این گونه بسود که ما را ۵ ماشین به صورت ۲ به ۲ قرار می‌دادند به همراه یک مأمور ساکت و راننده، ما را ابتدا به سامرا بردند و بعد نجف، کربلا و همه جا را در یک روز زیارت کردیم و زمانی که دکتر صلیب سرخ‌پاکت‌ها ما را به محل قبر جدید بردند و باز هم خاک تازه بود و حتی

میلیون تنفگذار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد...» هنوز یک سیالی از صدور فرمان امام(ره) نگذشته بود که جنگی تمام‌عیار به نمایندگی از سوی آمریکا و متحدان او توسط چکمه‌پوش محلی‌شان، یعنی رژیم بعث عراق به ایران اسلامی تحمیل شد. در آن شرایط بحرانی، که ارتش در حال خودسازی و تثبیت نظم و انضباط داخلی بود و سپاه پاسداران هم نه‌ادای نوبا و فاقد تجهیزات و تجربه‌های لازم برای مقابله با متجاوز خارجی بود، نعمت آن تصمیمات در تشکیل بسیج بر همگان روشن شد. دشمن در همان روزهای نخستین با مردمی مواجه گشت که با دستان خالی به دفاع از کین مقدس نظام اسلامی برخاسته و از ایثار جان خویش دریغ نمی‌کردند. جوانان سلحشوری که به فرمان امام(ره) در پایگاههای مقاومت تحت عنوان بسیجی گرد آمده و با اشاره ایشان به جبهه‌های نبرد هجوم می‌برند و تا آخرین قطره خون خویش، ایستادگی و مقاومت می‌کردند.



در هشت سال دفاع‌مقدس، بسیج آنچنان درخشید که دشمنان لب به اعتراف گشودند که: «قدرتی که در بسیج نهفته است، توان مقابله بسا یکایک ارتش‌های کلاسیک جهانی را دارد.» بسیج با جذب، سازماندهی و آموزش نیروهای مردمی توانست سراسراج جنگ را غرتمندانه و سرفرازانه به نفع نظام اسلامی‌مان به پایان ببرد بدون آنکه وجبگی از خاک کشور را در

اشغال بیگانگان باقی‌گذارده باشد. فداکارهایی بی‌ظنیر بسیج در جای جای ایران اسلامی چنان بود که امام بزرگوارمان خطاب به بسیجیان فرمود: «شما انبئم مجسم مظلومیتها و رشادتهای این ملت بزرگ در صحنه نبرد و تاریخ مصور انقلابید. شما فرزندان دفاع‌مقدس و پرچمداران عزت مسلمین و سپر حوادث این کشوریده.» بسیج، وظیفه خود را نه تنها در جنگ که در همه صحنه‌های انقلاب برای دفاع از دستاوردهای انقلاب می‌بیند و حتی در حوادث طبیعی و بلایای نیز حضور بسیجیان موجب حیرت و شگفتی خارجیان حاضر در صحنه می‌شود به‌گونه‌ای که در زلزله رویدار (سال ۱۳۶۹)، آنها با مشاهده حضور گرگ‌گشای بسیجیان اقرار کردند که به حضور نیروهای امدادی خارجی احتیاج نیست.در عرصه فرهنگ و مقابله با تهاجم و شیخون گسترده و بی‌سابقه فرهنگی، نقش بسیج در جلوگیری از استتحاله فرهنگی بسیار آگاهی‌بخش و افشاءکننده بوده و هست. حضور فضیلت آفرین بسیجیان و فرهنگ‌سازی ایثار و شهادت‌طلبی از سوی آنان، موقعیتی را برای «جان‌نثاران حضرت اباعبدالله الحسین(ع)» به‌وجود آورد که امام راحل(ره) در مورد آنان فرمود: «اگر بر کشوری ندای دلنشین بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید... امروز یکی از ضروری‌ترین تشکله‌ها، بسیج دانشجو و طلبه است... فرزندان انقلاب به‌هیچ‌وجه نگذارند ایادی آمریکا و شوروی در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها نفوذ کنند... باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است؛ چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به‌وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.» آخرین عبارات آن پیر و مراد مستضعفان جهان به بسیجیان این بود: «من دوست یکایک شما پیشگامان راهیای را می‌بوسم و می‌دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بسار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال دارد... من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غیبه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشورم گرداند. چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام.»

بسیجی که امام و مقتدای خود را بزرگ بسیجی تاریخ، مولا امیرالمؤمنین حضرت علی‌علیه‌السلام می‌داند، مورد مدح امانه و زعمای ذین قرار می‌گیرد، آنچنان‌که زیباترین توصیفات را از ولی امر و نائب امام زمان خویش رهبر معظم انقلاب دریافت کرده است. محمداسماعیل امامزاده

عطیه‌ای

برای

همه

فصول

^[1] فصلی از کتاب «معماری مقاومت» اثر علیرضا آل بمین

^[2] فصلی از کتاب «معماری مقاومت» اثر علیرضا آل بمین